

Abstract

Food has a wide impact on society and is directly related to human health. Ensuring health and food security has long been one of the most important tasks of governments and food production and supply has always been considered as one of the strategic plans of governments. There are several ways governments can protect this right. One of these measures is the criminal protection of the right to food and the criminalization of related threatening behaviors. The purpose of writing this study is to identify the types of criminal protection of the right to food through punishment and sentencing. In the Iranian legal system, the legislature seeks criminal protection for the most important right-to-food threats by criminalizing this right, while criminalizations and criminal responses have been made to protect the right to food in the context of targeting criminal policy. It has not been comprehensive and has not led to the creation of a legal cover to fully support all aspects of the right to food.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،  
 سال پنجم، شماره ده، دی ۱۴۰۱، صص ۶۵۰-۶۶۶  
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.318020.2747>

### حق بر غذا و حمایت کیفری از آن در نظام حقوقی ایران

نساء همتی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

مسعود قاسمی<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

مسعود بسامی<sup>۳</sup>

### چکیده

مواد غذایی تأثیر گسترده‌ای در سطح جامعه و ارتباط مستقیمی با سلامت انبای بشر دارد. تأمین سلامت و امنیت غذایی از گذشته‌ای دور از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها بوده و تولید و عرضه مواد غذایی، همواره به عنوان یکی از برنامه‌های راهبردی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌ها به منظور پاسداشت از این حق می‌توانند به روش‌های مختلفی اقدام نمایند. یکی از این اقدام‌ها حمایت کیفری از حق بر غذا و جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده مرتبط با آن است. هدف از نگارش این پژوهش شناسایی انواع حمایت‌های کیفری از حق بر غذا از طریق کیفرگذاری و کیفرگزینی است. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار با جرم‌انگاری مهم‌ترین رفتارهای تهدیدکننده حق بر غذا درصدد حمایت کیفری از این حق برآمده است، این در حالی است که جرم‌انگاری‌های صورت گرفته و پاسخ‌گذاری‌های کیفری برای حمایت از حق بر غذا در چارچوب هدف‌گذاری برای نیل به سیاست کیفری همه جانبه صورت نگرفته و منتهی به ایجاد یک پوشش حقوقی برای حمایت کامل از همه ابعاد حق بر غذا نشده است.

واژگان کلیدی: حق بر غذا، تعهدات دولت‌ها، رفتارهای تهدیدکننده، حمایت کیفری، جرم‌انگاری

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران [Hemmati.nesa@yahoo.com](mailto:Hemmati.nesa@yahoo.com)

۲- استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) [md.ghasemi@iauuksh.ir](mailto:md.ghasemi@iauuksh.ir)

۳- گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران [mbassami1360@gmail.com](mailto:mbassami1360@gmail.com)

حق بر غذا در پرتو اسناد بین المللی، منطقه‌ای و ملی در بستر توسعه پایدار و مبانی حقوقی حق بر غذا، امروزه به یکی از هنجارهای حقوقی جهانی و ملی بدل شده است (مبینی دهکردی، ۱۳۸۴: ۵۸). یکی از چالش‌های اساسی اکثر دولت‌های جهان دسترسی به غذای کافی، سالم و مغذی می‌باشد. بی‌توجهی به این مسئله در مرحله اول تهدیدی علیه امنیت آن‌ها و در مرحله بعدی تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است. ناامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری از موارد می‌تواند با دامن زدن به بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شالوده‌های یک نظام سیاسی و اجتماعی را فرو ریزد. بدون تردید برخورداری از غذای کافی یک حق انسانی است و محروم شدن افراد از آن به هر دلیل در حکم جنایت می‌باشد.

امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه‌یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه است. ناامنی غذایی ذخیره سرمایه اجتماعی افراد مشمول آن و نیز معناداری هنجارها و ارزش‌های انسانی و دینی را شدیداً تحلیل خواهد برد، دامنه انتخاب افراد را شدیداً محدود می‌کند و در بسیاری موارد حق انتخاب را از آن‌ها می‌گیرد. در یک چنین شرایطی آن‌ها نسبت به نوع نظام سیاسی اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه بی‌تفاوت خواهند بود و همچنین ضریب معناداری دیگر ارزش‌های ملی چون قلمرو سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی، انسجام و وفاق ملی به عنوان برخی از مؤلفه‌های امنیت ملی نزد آن‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین چنین وضعیتی دولت را در برابر تهدیدهای سخت افزاری و نرم‌افزاری خارجی شدیداً شکننده و آسیب‌پذیر خواهد ساخت و مهم‌تر این که ناامنی غذایی که به نحوی دال بر ناکارآمدی نسبی یک نظام سیاسی اجتماعی می‌باشد، مقبولیت و مشروعیت آن را زیر سؤال خواهد برد (خضری، ۱۳۸۵: ۸۹۴).

حقوق کیفری به عنوان بازوی مسلح هر دولت برای حفظ نظم عمومی محسوب می‌شود. حقوق کیفری از گذر جرم‌انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی، به رفتار خطرناک و تهدیدآمیز بزهکاران، با پاسخی متقابل به نام کیفر واکنش می‌دهد. حق دولت‌ها بر مجازات کردن از یک سو، شامل وضع محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌های فردی (جرم‌انگاری) و از سوی دیگر، شامل کیفرگذاری و کیفردهی ناقضان آن محدودیت‌ها است (نجفی ابرندآبادی، تلطف و ترمیمی شدن حقوق کیفری، با تاکید بر حقوق ایران، ۱۰۹). همچنین پلیس به عنوان ضابط عام قضایی و سایر ضابطان دادگستری عموماً در مرحله کشف و قضات دادگستری در مراحل مختلف دادرسی کیفری و سپس مأموران اجرای حکم با اقدام خود تهدید بالقوه حقوق کیفری را از رهگذر فرآیند کیفری به تهدید بالفعل تبدیل می‌کنند.

بدین‌سان، تعهد دولت‌ها در حمایت از حق بر غذا از طریق توسل به ابزارهای حقوق کیفری مسئله و سؤالی خواهد بود که قرار است در این پژوهش بدان پرداخته شود. این که دولت‌ها تا چه اندازه در این راه موفق بوده‌اند و توانسته‌اند مانع تجاوز دیگران به این حق شوند و خود نیز در مراحل قبل از آن که بحث احترام است و در مرحله بعد که تعهد به نتیجه است به آن جامه عمل پوشیده‌اند. از این رو مطالب این پژوهش به سه قسمت تقسیم شده است. در مبحث اول ضمن پرداختن به حق بر غذا به تعهد دولت‌ها در حمایت از آن و الزامات قانونی که در این رابطه دارند پرداخته شده است. سپس در مبحث دوم به جرم‌انگاری و کیفرگذاری رفتارهای تهدیدکننده حق بر غذا به عنوان حمایت کیفری از طریق وضع قانون توسط جامعه پرداخته شده است و در انتها به منظور مشخص شدن نحوه صیانت از ارزش‌های تعیین شده با اجرای مجازات ناقضان حق بر غذا در سیستم عدالت کیفری آشنا خواهیم شد.

## مبانی نظری پژوهش

### ۱- مفهوم حق بر غذا

حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی که هم از نظر کیفیت و کمیت مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف‌کننده می‌باشد. به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بدون دغدغه باشد حق بر غذا شامل حق یاری رساندن به فردی است که نمی‌تواند از خویشتن مراقبت نماید. البته این نکته در مورد حق بر غذا بیشتر حائز اهمیت است که حق بر غذا حقی است که بر اساس آن هر فرد بتواند تغذیه در شأن خویش را داشته باشد (ابراهیم گل، ۱۳۸۷: ۴). این حق هم‌چنین شامل دسترسی به منابع و ابزارهایی برای تأمین معیشت هر فرد نیز می‌باشد. موارد دیگر شامل دسترسی به زمین، امنیت و رفاه، دسترسی به آب و بذر، اعتبارات، تکنولوژی و بازارهای محلی و منطقه‌ای و خصوصاً برای اقشار آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض، دسترسی به مناطق قدیمی ماهیگیری برای جوامع ماهیگیری که به این مناطق برای تأمین معاش خویش وابسته‌اند، دسترسی به سطحی از درآمد کافی برای کارگران شهری و روستایی که بتوانند افزون بر دسترسی به امنیت اجتماعی و کمک‌های اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته باشند (Gloay, 2009: 7).

در حقیقت، تفسیر موسع از حق حیات ارتباط مستقیم آن با سطح معیشتی مناسب و در نتیجه حق بر غذا را تأیید می‌نماید. این دو مفهوم بیانگر دو حیطه از حقوق مرتبط با غذا می‌باشد. بنابراین، لحاظ این امر که تفکیک میان دغدغه‌های متنوع و گسترده مرتبط با امر تغذیه و دغدغه ضرورت اقدام فوری در خصوص گرسنگی و تغذیه با کیفیت اهمیت بسیاری دارد. معیاری که حق بر غذای کافی به رسمیت می‌شناسد، دسترسی به غذای کافی دارای شرایط کمیت و کیفیت است، در حالی که معیار حق بر رهایی از گرسنگی، نبود گرسنگی و تغذیه بی‌کیفیت می‌باشد (فروغی نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

### ۲- مؤلفه‌های حق بر غذا

حق بر غذا زمانی محقق می‌شود که، هر شخصی در سطح فردی، خانوار، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به غذای کافی و سالم و مغذی در تمام اوقات زندگی به منظور داشتن زندگی فعال مطابق با ترجیحات غذایی دسترسی داشته باشد (Food Agriculture Organizations, 2015). به طوری که نیازهای غذایی و ترجیحات آن‌ها برای یک زندگی سالم و فعال برآورده گردد و اجزای اصلی حق بر غذا در این رویکرد شامل: ۱- فراهم بودن غذای کافی برای جمعیت موجود؛ ۲- ثبات غذا و فراهم بودن آن در هر زمانی در بازار؛ ۳- قابل دسترسی بودن از نظر اقتصادی؛ ۴- استفاده درست از غذا می‌باشد.

در این رویکرد استفاده از مواد غذایی که ناظر بر استفاده درست بیولوژیکی از آن‌ها می‌باشد به وضعیت تغذیه و بهداشت افراد برمی‌گردد و شاخص استفاده از مواد غذایی شامل تولید غذا، صادرات و واردات، زمان برداشت، نرخ حاصل‌خیزی، انبار، نگهداری و فرآوری غذا می‌باشد. دسترسی به مواد غذایی مستلزم آن است که کلیه خانوارها و اعضای آن منابع کافی و مناسب برای بدست آوردن یک غذای مغذی داشته باشند. این دسترسی بایستی از دو بعد فیزیکی و اقتصادی تأمین شود. دسترسی فیزیکی به مواد غذایی ارتباط نسبی مصرف‌کننده را با شبکه توزیع غذا نشان می‌دهد و به وسیله حوادث غیرمترقبه، چون جنگ، محدودیت‌ها یا تحریم‌های کالا تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

دست‌یابی اقتصادی نیز به وسیله عواملی چون فقر و قدرت خرید تحت تأثیر قرار می‌گیرد، یعنی دسترسی اقتصادی تابعی از درآمد، اشتغال و قیمت است (Narula, 2006:723). شاخص‌های آن شامل قیمت غذا، نرخ دستمزد، مصرف سرانه غذا، تعداد وعده‌های غذایی، نرخ اشتغال و غیره می‌باشد. ثبات غذا بر این جنبه تأکید دارد که فراهم بودن، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا و مفید بودن آن باید پایدار باشد و عواملی از قبیل بی‌ثباتی در قیمت غذاهای عمده در بازار، ناکافی بودن سیستم تأمین غذا، بلایای طبیعی، تغییرات جوی، مخاصمات مسلحانه، بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و ... بر این جنبه از حق بر غذا تأثیر دارند (Food Agriculture Organization, 2015).

در این رویکرد ناامنی غذایی زمانی وجود دارد که افراد در نتیجه عدم دسترسی فیزیکی به غذا، عدم دسترسی اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی و یا استفاده نامناسب از غذا دچار سوءتغذیه شده باشند. حق بر غذا معمولاً در سه سطح خانوار، ملی و بین‌المللی مطرح می‌شود. در سطح خانوار وضعیت حق بر غذا با چهار عامل؛ فراهم بودن غذا، ایمنی غذا، مغذی بودن و مفید بودن غذا تعیین می‌شود (Golay, 2015: 145). براساس سند منتشر شده فائو شاخص‌های اندازه‌گیری حق بر غذا عبارتند از؛ سرانه تولید ناخالص ملی، سرانه رشد تولید ناخالص ملی، مازاد خالص تجارت کشاورزی.

### ۳- تعهدات دولت‌ها در زمینه حق بر غذا

درآمد افراد از تولید مواد غذایی از یک طرف و دسترسی افراد به آن مواد غذایی از طرف دیگر به موارد بسیاری وابسته است. در هر مرحله از این فرایند دولت می‌تواند در کنار نهادهای خصوصی حضور داشته باشد. مسئولیت دولت‌ها در این زمینه در گستره وسیعی از تعیین حداقل دستمزدها تا وضع قوانین مالکیت زمین، کنترل کیفیت غذا تا مشارکت مستقیم در تولید مواد غذایی قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- تعهدات داخلی دولت‌ها

براساس حقوق بین‌الملل، تعهد اساسی تحقق حق بر غذا بر عهده دولت‌هاست. همچنان که در تفسیر شماره ۱۲ کمیته به روشنی بیان شده است، راه‌ها و روش‌های مناسب برای تحقق حق بر غذا در هر کشور نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است و در نتیجه دولت‌ها خود بایستی به صلاحدید خود اقدام به اتخاذ اقدامات متناسب خود نمایند. در کنار آن کمیته تأکید می‌کند که برای تحقق

کامل حق بر غذا، باید استراتژی ملی اتخاذ شده اصولی نظیر پاسخگو بودن، شفافیت، مشارکت مردمی، تمرکز زدایی، صلاحیت قانون‌گذاری و استقلال قضایی نیز رعایت شود.

امروزه در خصوص تعهدات حقوق بشری دولت‌ها یک چارچوب تحلیلی حاوی سه نوع تعهد است که حق بر غذای کافی نیز این سه گونه تعهد را بر دولت‌ها بار می‌کند. این دسته‌ها شامل «تعهد به احترام»، «تعهد به حفاظت» و «تعهد به برآورده کردن» حقوق بشر مطرح است. تعهد به برآورده کردن، خود متشکل از دو تعهد است، «تعهد به تسهیل» و دیگری «تعهد به تهیه نمودن». میان این سه نوع تعهد نوعی سلسله مراتب در اجرا وجود دارد (عباسی، رزمخواه، ۱۳۹۳: ۵۸). بدین معنی که در سطح نخست دولت‌ها متعهداند به احترام به روش‌های انتخابی اشخاص برای تحقق حق بر غذای خود و رعایت آزادی آنها برای انتخاب شغل مورد علاقه خویش و استفاده مطلوب از منابع متعلق به خود برای ارضای نیازهایشان هستند (تعهد به احترام). در سطح دوم، دولت‌ها متعهدند به حمایت فعال از اشخاص در مقابل سایر اشخاص و به ویژه در مقابل منافع اقتصادی قوی‌تر (تعهد به حفاظت). بنابراین در مرحله سوم؛ دولت‌ها موظفند شرایط را به گونه‌ای تسهیل نمایند که حق بر غذا محقق شود. بنابراین، حق بر غذا بدون حمایت دولتی امری بی‌معنا خواهد بود. بر اساس حقوق بین‌الملل دولت‌ها نهاد اصلی هستند که مسئولیت دارند دست‌یابی مردم به حقوق بشر را تضمین نمایند (Eide, 1998: 4).

به این ترتیب، براساس حقوق بین‌الملل تعهد اصلی دولت‌ها اتخاذ گام‌هایی در راه دست‌یابی به تحقق کامل حق بر غذا بوده و هر دولتی موظف است اطمینان حاصل کند که دست کم همه افراد تحت صلاحیت اش به حداقل مواد غذایی برای امرار معاش او کافی باشد، دست می‌یابد. با این حال همواره در حقوق بین‌الملل از عبارت «تحقق تدریجی» استفاده می‌شود و مشخص نیست چه زمانی قرار است از تعهدات دولت‌ها به احترام، حمایت و برآورده کردن حق بر غذا یاد شود.

### ۳-۲- تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

در چارچوب حقوق بین‌الملل، دولت‌ها علاوه بر تعهدی که نسبت به افراد حاضر در سرزمین خود دارند، در مقابل حق بر غذای مردم دیگر کشورها نیز متعهدند. به این معنا که آن‌ها باید تضمین نمایند که سیاست‌های اجرایی‌شان نه تنها موجب نقض حق بر غذای کافی مردمان سرزمین‌های دیگر نمی‌شود، بلکه تا جایی که ممکن است در تحقق و اجرای کامل حق بر غذا آن‌ها مشارکت نموده و به دولت‌های دیگر در جهت تحقق حق بر غذای کافی یاری رسانند (Kasturi, 2012: 20).

براساس مفهوم تعهد به حمایت، در سطح بین‌المللی نیز دولت‌ها مکلف هستند که شرکت‌های تجاری و بازرگانی را به نحوی کنترل کنند که حق بر غذای ملت‌های دیگر را نقض ننمایند. همانطور که در بند (۱) ماده ۱۱ میثاق اشاره شده در تحقق حق بر «استاندارد مناسب زندگی» و در نتیجه حق بر غذا، همکاری بین‌المللی مبتنی بر رضایت آزادانه، اهمیت اساسی دارد. ماده مزبور به دو مفهوم «همکاری» و «مساعادت بین‌المللی» اشاره می‌کند. نمونه بارز مساعادت بین‌المللی کمک‌های غذایی فوری به کشورهای قحطی زده است.

به طور کلی، با توجه به مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد (شبرنگ، ۱۳۸۲: ۶۵) و تفسیر کلی بند اول ماده ۲، ماده ۱۱ و ۲۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه رم اجلاس جهانی غذا، دولت‌ها باید نقش اساسی و بارز مشارکت بین‌المللی را در

روند تحقق حق بر غذای کافی به رسمیت بشناسند و تعهداتشان را در قبال مشارکت در اقدامات و فعالیت‌های بین‌المللی که به تحقق کامل حق بر غذای کافی می‌انجامد، بپذیرند.

#### ۴- جرم‌انگاری و کیفرگذاری رفتارهای تهدیدکننده حق بر غذا

به طور کلی جرم‌انگاری سازوکاری مهم و مؤثر در سیاست کیفری، فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند بر این اساس، جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱ و ۱۲).

بی‌تردید برقراری امنیت غذایی با مداخله حقوق کیفری هم در جریان استقرار و هم در مرحله پایدارسازی آن در جامعه، نیازمند وضع و اجرای پاسخ‌های دولتی متناسب است. مخاطره‌های فزاینده، محسوس و آثار فوری و ملموس نقض امنیت غذایی و حق بر غذا در جامعه تبعات ناشی از احساس ناامنی بر جامعه و مردم، ایجاب می‌کند که برخی مخاطره‌های مهم، اختلال یا نقض عامدانه و بعضاً غیرعامدانه ناشی از تقصیرهای جزایی (شامل سهل‌انگاری، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات مهم و غیره) توسط دست‌اندرکاران تأمین غذا، با بزه‌انگاری و وضع ضمانت‌اجراهای کیفری پاسخ‌گذاری شود. از این رو ضرورت سیاست‌گذاری جنایی همه‌جانبه و در صورت لزوم، ورود و مداخله مؤثر حقوق کیفری به عنوان ابزار حاکمیتی برای تحقق امنیت غذایی پایدار غیرقابل انکار است. از این رو در این قسمت به شناسایی جلوه‌های عمده بزه‌انگاری و پاسخ کیفری در قبال رفتار ناقض حق بر غذا و امنیت غذایی در نظام تقنینی ایران پرداخته می‌شود. بخش بزرگی از سیاست کیفری ایران در این حوزه با توجه به مؤلفه‌های حق بر غذا و ارکان امنیت غذایی بالأخص رکن دسترسی به غذا با بزه‌انگاری رفتارهایی مانند احتکار، گران‌فروشی، اختلال در عرضه و غیره حسب ادوار مختلف قانون‌گذاری در قالب جرم‌انگاری یا جرم زدایی صورت گرفته است که مصداق رویکردهای پیش‌روی یا پس‌روی سیاست کیفری و شامل فهرست غیرمنسجم و بلند بالایی از قوانین خاص است (کوشا و قربانی قلجلو، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

در نظام حقوقی ایران، در برخی موارد قانون‌گذار به منظور حمایت کیفری از حق بر غذا و تهدید بالقوه ناقضان این حق، اقدام به جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده از طریق وضع محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌های فردی نموده است. به توجه به این‌که اجزای حق بر غذا شامل الف) فراهم بودن یا تأمین غذای کافی؛ ب) قابلیت دسترسی اقتصادی و فیزیکی؛ ج) قابل استفاده و سالم بودن می‌شود. د) ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان می‌باشد، می‌توان رفتارهای تهدیدکننده که در قوانین ایران جرم‌انگاری شده اند را براساس این تقسیم‌بندی به چهار دسته زیر تقسیم نمود:

#### ۴-۱- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده تأمین غذای کافی

قانون‌گذار در حقوق کیفری ماهوی، با الهام از منابع معتبر اسلامی، برای پاسخ به رفتارهای تهدیدکننده دسترسی به غذای سالم و کافی، با جرم‌انگاری احتکار و ضمانت‌اجرای کیفری درصدد حمایت از این بعد از حق بر غذا برآمده است. واژه احتکار از نظر لغوی از ریشه «حکر» گرفته شده که به معنای ظلم، عسر و سوء معاشرت آمده است (اصغری، ۱۳۷۷: ۹۵). از منظر حقوقی، احتکار بدین معناست که کسی که کالای مورد احتیاج و ضروری عامه را زیاد از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت

یا مردم پنهان کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۶). احتکار در مفهوم اعم آن، عبارت است از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا که توسط همه یا برخی از فروشندگان به طور موقت صورت می‌گیرد. این اقدام فروشندگان، با توجه به وضع بازار، به خصوص تقاضای تحریک شده خریداران به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از فروش کالا انجام می‌گیرد (صدر، ۱۳۶۲: ۷). به طور کلی، با توجه به قوانین موجود، می‌توان جرم و تخلف احتکار را «نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی و یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت» دانست. یکی از راه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به طور کلی و به ویژه در حوزه مواد غذایی، حمایت کیفری از حقوق آن‌ها است. در عصر حاضر، تولید و به تبع آن مصرف کالا و خدمات بیش از هر زمان پیچیده شده است. این وضعیت، حاصل پیشرفت فناوری، صنعت و علوم و فنون است. با توجه به افزایش روزافزون مصرف و آسیب‌پذیر بودن مصرف‌کننده در مقابل تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان آن، شناخت حقوق مصرف‌کننده و حمایت از آن‌ها در حوزه مواد غذایی از اهمیت بالایی برخوردار است. مصرف‌کنندگان از جنبه‌های گوناگون در معرض بی‌عدالتی و آسیب‌دیدگی قرار دارند؛ مانند ناآگاهی از فرایند تولید کالاها و ترکیبات آن‌ها و عوارض و خطرهای ناشی از مصرف کالاها، تبلیغات نادرست تولیدکنندگان، شرایط غیرمنصفانه معامله و مانند آن بنابراین در کشورهای بهره‌مند از آثار صنعتی شدن، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در زمره اهداف مهم دولت‌ها قرار گرفته است. حمایت کیفری با جرم‌انگاری صورت می‌گیرد و بازدارندگی و واکنش‌های کیفری نسبت به جرم، به عنوان ابتدایی‌ترین گونه حمایت کیفری شناخته می‌شود. مهم‌ترین گام در این راستا، وضع قوانین مناسب برای سامان بخشیدن به نظام تولید، توزیع و مصرف است تا از وقوع صدمات و خسارات مادی و معنوی به دلیل رعایت نکردن حقوق مصرف‌کننده جلوگیری کند و در صورت بروز خسارت، مرجعی وجود داشته باشد که از طریق آن و با روش‌هایی آسان و سریع بتوان برای جبران خسارت مصرف‌کننده و مجازات متخلف اقدام کرد (جهانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱۵).

#### ۴-۲- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده دسترسی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی

مسئله امنیت غذایی هنگامی حل شده تلقی می‌شود که همه مردم همیشه به مقدار کافی غذای برخوردار از کیفیت مطلوب در دسترس داشته باشند. دسترسی به مواد غذایی مستلزم آن است که کلیه خانوارها و اعضای آن منابع کافی و مناسب برای به دست آوردن یک غذای مغذی داشته باشند. کمبود غذا تنها به علت کمبود عرضه جهانی غذا نمی‌باشد بلکه به معنی عدم امکان دسترسی به غذا که در اثر یک سری رفتارهای تهدیدکننده همچون گران‌فروشی می‌باشد.

گران‌فروشی عبارت است از فروش کالا یا خدمت به بهائی بیشتر از نرخ واقعی آن و به عبارت دیگر گران‌فروشی عبارت است از فروش کالا یا خدمت به قیمتی بیش از آن چه که واقعاً ارزش دارند که این تعریف برگرفته از فرهنگ‌نامه مرحوم دهخدا می‌باشد. از نظر قانونی تا قبل از تصویب قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در قوانین ایران گران‌فروشی تعریف نشده بود و تنها به ذکر مواردی از گران‌فروشی اکتفاء شده است. ولی به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در زمان تصویب قانون تعزیرات حکومتی متوجه این نقیصه در قوانین شده است لذا در ماده ۲ قانون مورد اشاره برای اولین بار گران‌فروشی را تعریف می‌کند متن ماده چنین است: «گران‌فروشی عبارت است از عرضه کالا یا خدمات به بهائی بیش از نرخ‌های تعیین شده



توسط مراجع رسمی به طور علی‌الحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد» (شهری، ۱۳۸۴: ۱۵۱۹).

مبنای حقوقی جرم‌انگاری گران‌فروشی، این است که یکی از راه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، حمایت کیفری از حقوق آنهاست. حمایت کیفری با جرم‌انگاری صورت می‌گیرد. یکی از رفتارهای معارض با حقوق مصرف‌کننده، گران‌فروشی است. گران‌فروشی در نتیجه تناقض و عدم تناسب رابطه عرضه و تقاضا است. وقتی کالایی بیش از قیمت مقرر فروخته شود، رابطه اقتصادی میان مردم را که همان عرضه و تقاضا یا خرید و فروش معمولی است مختل می‌کند (مه‌دوی پور، ۱۳۹۰: ۱۲۹). به همین جهت گران‌فروشی در ماده‌ی ۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، جرم‌انگاری شده است. با تصویب قانون نظام صنفی در سال ۱۳۸۲، در ماده ۵۷ قانون نظام صنفی، گران‌فروشی از جرم به تخلف تبدیل شد و صلاحیت رسیدگی به این رفتار به سازمان تعزیرات حکومتی واگذار شد.

#### ۳-۴- جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده سلامت مواد غذایی:

قانون‌گذار در کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در قالب ماده ۶۸۸ رفتارهای تهدیدکننده بهداشت عمومی از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی را جرم‌انگاری و مرتکبان آن چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجاز شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. البته رفتارهای تهدیدکننده غذای سالم به موارد مورد اشاره در این ماده خلاصه نمی‌شود. بلکه موارد مصادیق دیگری از این رفتارها را می‌توان مثال زد که در این ماده به آنها اشاره نشده است. از دیگر رفتارهایی که ناقض حق بر غذا می‌باشد قاچاق کالای سلامت‌محور می‌باشد. قاچاقچیان کالا، سلامت و بهداشت عموم مردم را قربانی زیاده‌خواهی‌های خود نموده و به دلیل رعایت نشدن ضوابط قانونی و بهداشتی، بهداشت جامعه را آماج تهدید قرار می‌دهند که این امر موجب بیماری‌های فراگیر در میان مردم و گاه مرگ افراد می‌گردد.

می‌توان گفت یکی از اهداف جرم‌انگاری قاچاق، صیانت از بهداشت جامعه می‌باشد. تأمین سلامت و بهداشت مردم از اصولی‌ترین موارد انسانی است که تمام دولت‌ها و احاد جوامع مختلف بدان توجه ویژه‌ای دارند. یکی از بزرگ‌ترین تبعات منفی قاچاق کالا در کشور تبعات منفی بهداشتی آن در جامعه است. اصولاً کالاهای قاچاق به دلیل نبود نظارت بر آنها و با هدف سود بیشتر به داخل کشور قاچاق می‌شوند و به همین دلیل کالاهای تقلبی و غیراستانداردی که با قیمتی اندک در خارج کشور عرضه می‌شوند مطلوبیت زیادی برای واردات قاچاق دارند (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۳). متأسفانه محصولات غذایی، آرایشی و بهداشتی جزء کالاهایی هستند که به حد زیاد و غیرقانونی وارد کشور می‌شود و در نبود هیچ‌گونه استاندارد برای این کالاها، به خصوص کالاهای بهداشتی و آرایشی، در سطح جامعه به طور گسترده خرید و فروش می‌شوند.

#### ۴-۴- جرم انگاری رفتارهای تهدید کننده ثبات و پایداری مواد غذایی

پایداری عرضه و دسترسی متأثر از آب و هوا، تغییرات قیمت ها، بلایای طبیعی و مجموع عوامل اقتصادی و سیاسی می باشد. برای پایداری سه موضوع اهمیت دارد: ۱- درآمد کافی به ویژه در بین افراد کم درآمد ۲- افزایش قابلیت دسترسی به غذا و مصرف آن است. این بدین معنی است که باید از طریق افزایش تولید و بهبود تولید، غذای بیشتر و قابل دسترسی فراهم شود. ۳- حفاظت و بهبود منابع طبیعی. رفتارهای تهدیدکننده مؤلفه پایداری و ثبات مواد غذایی احتکار و گران فروشی می باشد.

#### ۵- کيفر دهی ناقضان حق بر غذا (حمایت کيفری در پرتو قوانین شکلی)

##### ۵-۱- حمایت سازمان تعزیرات حکومتی

از آنجایی که قاچاق کالا، نقض مقررات و استانداردهای مقرر برای صادرات و واردات کالا و هدف از ارتکاب آن، محروم کردن دولت از تمام یا بخشی از حقوقی است که از محل واردات و صادرات قانونی کالاها، به دست می آورد و تأثیرات منفی بر سلامت اقتصاد و بازار و حقوق بنیادین مصرف کنندگان نیز از تبعات آن است، بنابراین چه کسی بهتر از دولت به عنوان سیاست گذار و نیز مجری سیاست های اقتصادی آن هم از طریق سازمان تعزیرات حکومتی که اهداف و وظایفش در همین زمینه را تا حدی فنی و تخصصی کند.

چنین رویکردی با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۲، بیشتر ظهور یافت و قانون گذار با تخلف انگاری عمده موارد قاچاق کالا، دست قوه مجریه را در رسیدگی به آن ها باز گذاشت. به این نحو که رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته، حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی را در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب دانست و سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز، را "تخلف" محسوب کرد و رسیدگی به آن را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داد (ماده ۴۴). در خصوص جرم قاچاق کالا و ارز، در کنار پیش بینی مراجع اختصاصی، بندهای "الف" و "ب" ماده ۱۱ قانون جدید، به تخصص گرایی اشاره می کند و قوه قضائیه و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی، به اختصاص شعب ویژه برای رسیدگی به جرائم و تخلفات قاچاق کالا و ارز مکلف شده اند؛ یعنی باز از میان شعب دادگاه اختصاصی (دادگاه انقلاب)، شعبی ویژه برای رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز اختصاص می یابد که قضات آن ها و نیز رؤسای شعبی از تعزیرات حکومتی که برای رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز اختصاص داده می شوند، آموزش های لازم را دیده اند.

در قانون جدید "تسریع در رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز" در کنار "پیشگیری از ارتکاب قاچاق" از اهداف اساسی قانون گذار است. در ماده ۱۱ این قانون، با مکلف کردن قوه قضائیه به اختصاص شعب ویژه و الزام سازمان تعزیرات حکومتی به اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز و ارائه گزارش های سه ماهه و ارائه راه کارهای کاهش زمان دادرسی و تشکیل کارگروه نظارتی به منظور تسریع در اجرای احکام پرونده ها و در ماده ۴۵ با موظف ساختن هر یک از مراجع رسیدگی کننده در مرحله بدوی و تجدیدنظر، به رسیدگی و صدور رأی نهایی، ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده به آن مرجع و در ماده ۴۷ با مکلف کردن سازمان های مأمور وصول درآمدهای دولت از جمله گمرک، به پاسخ گویی استعلامات

مراجع رسیدگی کننده، ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، نشان می‌دهد که مقنن به سرعت در رسیدگی اصرار دارد (فتحتی، امیرحاجلو، ۱۳۹۷: ۳۹۳).

### ۵-۲- حمایت پلیسی

ضابطان دادگستری به عنوان مأمورانی که نقش مهمی را در اجرای عدالت کیفری ایفا می‌نمایند در خط مقدم مبارزه با جرم قرار دارند، زیرا آنان براساس قانون مکلفند که پس از وقوع جرم، (در جرایم مشهود بدون نیاز به دستور و در جرایم غیرمشهود با کسب دستور از مقام قضایی) وارد عمل شوند و نسبت به کشف جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، بازجویی از آنان و جمع‌آوری ادله‌ی جرم اقدام کنند (شامبیاتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱).

اعطای اختیارات ضابطان دادگستری به مأموران وزارت اطلاعات درخصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نیز ریشه در پیچیدگی کشف پرونده‌های قاچاق سازمان‌یافته و تخصصی بودن امر جمع‌آوری دلایل ارتکاب قاچاق و ضرورت ردگیری و ردیابی فناورانه و ظریف و غیرمحسوس اقدامات مقدماتی و اجرایی متهمان این پرونده‌ها دارد.

تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، وزارتخانه مذکور، درخصوص قاچاق ارز (ماده‌ی ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۹ (هیأت وزیران) و نیز قاچاق کالا که کلان و گسترده بود یا موجب اخلال در امنیت اقتصادی می‌شد (بند "ب" ماده‌ی ۱۲۴ بخش پنجم قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۸۳) ضابط دادگستری تلقی می‌شد و اینک به موجب ماده‌ی ۳۹، وزارت اطلاعات موظف شده با هماهنگی مرجع قضایی یا اعلام دستگاه کاشف یا رأساً اقدام به شناسایی شبکه‌های اصلی و گروه‌های سازمان‌یافته‌ی قاچاق کالا و ارز و دارایی آن‌ها و تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات کند. با این حال، ناگفته نماند که در این موارد به دلیل اهمیت و اقتدار سازمان کاشف، ممکن است حقوق متهمان محدود شود.

### ۳-۵- عملکرد مرجع قضایی

اولین وظیفه دادر، کشف جرم می‌باشد که قانون‌گذار با وضع ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ بار کشف جرم را برعهده‌ی دادر، گذاشته است و این تکلیف قانونی در قسمت‌های مختلف اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است. آنجا که قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و احیاءکننده ۱۱ حقوق عامه و کاشف جرایم اعلام کرده است و این تکلیف قانونی بیانگر این مطلب است که دادر، چه در جرایم قابل گذشت و چه در جرایم غیرقابل گذشت و به منظور تحقق بخشیدن به عدالت و گسترش عدل در جامعه، باید به این وظیفه عمل کند (دعاگویان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی است که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور تسجیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم، با توجه به اصل براءت، صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است (آخوندی، ۱۳۶۷: ۱۰). در این تعریف صرفاً از ضابطان دادگستری نام برده شده که رأساً یا به دستور

و حسب ارجاع مقامات قضایی یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی اقدام به تحقیق می‌نمایند، در حالی که مقامات یا رؤسای شعب تعزیرات حکومتی نیز به دلایل ذیل جهت ارجاع امر یا صدور دستور برای جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم صالح می‌باشند و اصولاً شعب مذکور دارای چنین اختیاری هستند.

بنابراین تحقیقات مقدماتی در تعزیرات حکومتی با توجه به فلسفه وجودی این سازمان که سرعت و دقت در رسیدگی و برخورد قاطع با جرایم و تخلفات حوزه مواد غذایی می‌باشد می‌بایستی در اسرع وقت معمول گردد.

براساس ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون تعزیرات حکومتی شعب بدوی تعزیرات حکومتی در موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌نمایند:

الف) گزارش مأمورین سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات

ب) گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی

ج) شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی.

همان‌طوری که از ماده ۱۸ استنباط می‌گردد کلیه مراجع قضایی و دولتی و نیز مراجع انتظامی می‌توانند گزارش تخلفات مواد غذایی را به تعزیرات حکومتی جهت رسیدگی تسلیم و یا ارسال نمایند، در این صورت گزارش مذکور در حکم گزارش ضابط قضایی محسوب خواهد شد و شعبه تعزیرات ملزم به پیگیری و رسیدگی می‌باشد. در حال حاضر نیروی انتظامی در اعلام گزارش جرایمی نظیر عرضه خارج از شبکه اجناسی که دارای شبکه مصوب می‌باشند، قاچاق کالا، عرضه و فروش کالاهای غیر بهداشتی و تقلبی، احتکار و غیره نقش ارزنده‌ای ایفاء می‌نماید و مضاف بر آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کشف کالاهای قاچاق همکاری قابل قبولی با سازمان تعزیرات حکومتی دارد و در گذشته نیز نیروی مقاومت بسیج در قالب ستاد اجرایی انصار به عنوان ضابط خاص سازمان تعزیرات حکومتی مستقیماً مبادرت به کشف تخلفات حوزه مواد غذایی و انعکاس آن به سازمان تعزیرات می‌نموده است، بدیهی است ضابطین عام برابر ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی ملزم به اجرای دستورات مقامات تعزیرات حکومتی می‌باشند.

سازمان تعزیرات حکومتی علاوه بر ضابطین عام دارای ضابط خاص نیز می‌باشد، یکی از ضابطین خاص سازمان تعزیرات حکومتی سازمانی تحت عنوان سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات است.

براساس بند ۱ ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی گزارش بازرسین و مأمورین سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات می‌باشد. ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون تعزیرات حکومتی صراحتاً مأمورین سازمان بازرسی و نظارت را ضابط سازمان تعزیرات حکومتی دانسته است.

یکی از ضابطین خاص دیگر سازمان تعزیرات حکومتی سازمان‌های صنفی می‌باشند، براساس ماده ۷۲ قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ خریداران و مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایت خود را در مورد تخلف‌های موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذیربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده ۵۲ این قانون تسلیم، ارسال یا اعلام دارند.

## ۶- نتیجه‌گیری

جرایم و تخلفات ناشی از مواد غذایی از جمله جرایمی است که بر اکثریت اعضای جامعه تأثیرگذار است و رعایت بهداشت مواد غذایی چیزی نیست که بتوان در اهمیت آن تردید کرد. امروزه در همه کشورها اهمیت این مسأله روشن شده و هر کشوری با تمام

توان، بودجه و پیشرفت علم و صنعت خود در صدد پیشرفت و پیشبرد بهداشت، امنیت غذایی می‌باشد. اما پیشرفت این امور تا حدود زیادی به حمایت قانونی و حقوقی بستگی دارد؛ چرا که همواره ناقضان حق بر غذا، مقررات مواد غذایی و ایمنی زیستی را نادیده گرفته و با زیر پا گذاشتن وجدان و عاطفه‌ی انسانی خود، مقررات و قوانین را نقض می‌نمایند و منافع شخصی را بر بهداشت، سلامتی افراد و جامعه و امنیت غذایی اولویت می‌دهند. این وظیفه در وهله اول بر دوش دولت قرار می‌گیرد تا با تأمین امنیت مواد غذایی و نظارت بر بهداشت مواد غذایی احساس آرامش و امنیت در یکی از نیازهای اساسی را برای شهروندان به ارمغان آورند و لذا حمایت دولت از جامعه و پیشگیری از تزلزل در ثبات و امنیت غذایی جامعه از جمله مبانی جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حق بر غذا می‌باشد.

ضرورت تأمین مواد غذایی سالم و کافی برای جامعه چنان برای دولت‌ها مسلم و پذیرفته شده است که حتی در نظام‌های تابع بازار نیز کنترل و نظارت بر فرایند تأمین غذا برای مردم بدون تردید و ایرادی مورد قبول قرار می‌گیرد و هر کشوری با وجود تفاوت در ساختارها، برای نظارت بر فرایند تأمین مواد غذایی اعم از مواد اولیه غذایی و مواد غذایی فرآوری شده مقرراتی وضع کرده است.

یکی از اهداف اصلی سیاست‌های توسعه در جوامع مختلف تأمین مؤلفه‌های حق بر غذا است، دسترسی به مواد غذایی کافی و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و زیرساخت پرورش و توسعه منابع انسانی کارآمد محسوب می‌شود. نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی و توسعه اقتصادی با پژوهش‌های گسترده در سطح جهان به ویژه در دو دهه اخیر اثبات شده است. نظر به این که دسترسی به غذای کافی و سالم از حقوق اولیه انسان است دولت‌ها مکلف به تأمین مؤلفه‌های حق بر غذا هستند.

بی‌تردید یکی از پیش‌زمینه‌های دستیابی به امنیت غذا، اصلاح قوانین و مقررات حاکم بر تولید و عرضه مواد غذایی اعم از مواد اولیه غذایی و مواد غذایی فرآوری شده است، چنان چه مقررات در این حوزه جامع و کامل نباشد تحقق مؤلفه‌های حق بر غذا به سختی امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا نقض مقررات یا تأمین غذای کافی را مشکل می‌کند یا سلامت مواد غذایی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. علیرغم اصلاحاتی که در مجموعه قوانین جزایی ایران پیش آمده، اما با توجه به تعدد قوانین مربوط به جرایم مواد خوردنی و بعضاً تعارضاتی که بین این قوانین موجود است، تدوین قانونی دقیق، جامع و جواب‌گوی نیازهای روز با ضمانت اجرا متناسب و قاطع، جهت برخورد با مرتکبین این جرایم ضروری به نظر می‌رسد. چرا که ارتکاب این جرایم برای جامعه مخاطره‌آمیز است.

حمایت کیفی از حق بر غذا در نظام حقوقی ایران را می‌توان در دو محور حقوق تعیین کننده و حقوق تضمین کننده دنبال کرد. در حقوق تعیین کننده قانونگذار سعی کرده است به منظور مقابله با رفتارهای تهدید کننده حق بر غذا با جرم‌انگاری رفتارهای تهدید کننده تأمین غذای کافی، رفتارهای تهدید کننده دسترسی اقتصادی و فیزیکی به مواد غذایی، رفتارهای تهدید کننده سلامت غذایی و رفتارهای تهدید کننده ثبات و پایداری مواد غذایی با تصویب قوانینی مثل قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات مرتکبان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ از این ارزش اساسی در جامعه حمایت کند.

همچنین قانون‌گذار به منظور تضمین از این حقوق و در راستای اجرای مطلوب آن سعی کرده است با دادن اختیار ویژه به ضابطان دادگستری در حوزه کشف و اعطاء صلاحیت به محاکم دادگستری در رسیدگی به جرائم و تخلفات این حوزه علاوه بر سازمان تعزیرات حکومتی مقدمات برگزاری یک دادرسی منصفانه را فراهم نماید. البته قانون‌گذار ناگزیر است در جهت تحقق مؤلفه‌های

حق بر غذا راه کارهایی را عرضه و ارائه نماید که از کارایی لازم برخوردار بوده و کمتر دستخوش تغییر و تحول قرار گیرد. اصولاً باید حمایت کیفری را نقطه ختم سلسله مراتب انواع حمایت‌ها دانست و می‌بایست تا هنگامی که ضرورت ایجاب ننماید این راهکار مورد استفاده قرار نگیرد. بنابراین، ضمن این که جهت جلوگیری از وقوع جرایم و تخلفات باید برخوردی همه جانبه با موضوع داشت و لزوماً در بعد حمایت کیفری باید سیاست گذاری‌ها مبتنی بر پژوهش و مطالعات کارشناسانه بوده تا مکانیسم‌هایی انتخاب شود و تشکیلات و سازمان‌هایی بنا نهاده شود که در گسترش قسط و عدالت در جامعه مؤثر بوده و امنیت غذایی را تضمین نماید.

#### ۷-پیشنهادات

انجام یک ارزیابی جامع از سوی دولتها برای شناسایی میزان نا امنی مواد غذایی در کشور و افرادی که از حق خود برای خوردن غذا محروم هستند بسیار مهم است چون به کشورها برای به دست آوردن اطلاعات لازم کمک کند تا از یک سو با طراحی بلند مدت استراتژی های مواد غذایی و از سوی دیگر با تصمیم گیری در مورد اقدامات فوری برای تضمین رهایی از گرسنگی ، سیاست هایی برای تحقق حق بر غذا را در پیش بگیرند.بدین منظور دولت جهت در دسترس بودن بلند مدت مواد غذایی به صورتی پایدار و بدون تخریب محیط زیست می باید از دسترسی اقتصادی و اجتماعی و فیزیکی به مواد غذایی به ویژه از سوی گروه های فقیر و آسیب پذیر اطمینان حاصل کند.

همچنین به منظور اجرای هرچه بهتر قوانین مدون در خصوص جرم انگاری جرایمی از قبیل گران فروشی، احتکار و ... شایسته است ضمانت اجراهای قانونی بیشتر و در صورت وجود، ضمانت اجراهای پررنگ تری اعمال گردد. چرا که با توجه به شرایط فعلی جامعه کنونی مشاهده کرده ایم در بحران هایی چون امراض ، سیل ، زلزله و ... که در جامعه به عنوان حوادث طبیعی به وقوع می پیوندد بعضاً با پدیده گران فروشی و احتکار مواجه هستیم و قوانین موجود نتوانسته ضمانت اجراهای مکفی در خصوص پیشگیری از این جرایم را به عمل آورد. در این خصوص میتوان به دو چالش ضعف ضمانت اجراهای موجود در قوانین و ضعف دستگاههای اجرایی در اعمال و اجرای قانون اشاره نمود. بدین گونه که ما در شرایط فعلی هر روز بیش از پیش با پدیده های به نام احتکار و گران فروشی در زمان های خاص جامعه مواجه هستیم و این نشان از ناکارآمدی قوانین فعلی و اجرای آن در جامعه کنونی دارد.

## منابع و ماخذ

## الف-منابع فارسی

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۷) «حق بر غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق»؛ مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، ۳۹.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۶۷). آیین دادرسی کیفری، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد دوم.
۳. اصغری، محمد (۱۳۷۷). رشوه و احتکار، تهران؛ انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۴. آقابابایی، حسین (۱۳۸۴) گفت‌مان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت؛ مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳) ترمینولوژی حقوق، تهران؛ گنج دانش.
۶. جهانی، بهزاد و خالقی، میلاد (۱۳۹۱) جرم‌انگاری احتکار در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کننده، تعالی حقوقی؛ شماره ۱۶ و ۱۷.
۷. خضری، محمد (۱۳۸۵) امنیت غذایی و امنیت ملی، تهران؛ مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی و توسعه کشاورزی، چاپ دوم.
۸. دعاگویان، داود؛ هندیانی، عبدالله، یآوری بافقی، امیرحسین؛ عبدی نژاد، صالح و عزیزی، سودابه (تابستان ۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرایند جرم‌یابی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۳ (۵۰).
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، تهران؛ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۰. سیف، اله مراد (۱۳۸۷) قاچاق کالا در ایران؛ تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۱. شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی (۱۳۹۳). تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی، تحقیقات حقوقی آزاد.
۱۲. شیرنگ، محمد (گردآورنده) (۱۳۸۲). منشور سازمان ملل متحد، تهران؛ انتشارت دانشور، چاپ هفتم.
۱۳. شهری، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۶) مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، چاپ اول، روزنامه رسمی کشور.
۱۴. صدر، کاظم (۱۳۶۲) احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد؛ انتشارات ۲۲ بهمن.
۱۵. عباسی، محمود و رزمخواه، نجمه (۱۳۹۳). محصولات غذایی تراریخته و چالش های پیش رو از منظر حق بر غذا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۵.
۱۶. فتحی، محمدجواد و امیرحاجلو، فضل اله (۱۳۹۷). جلوه های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲.
۱۷. فروغی نیا، حسین، نوقوی مرمتی، محمد و نوقوی مرمتی، علی (۱۳۹۳) ماهیت تعهدات دولتها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین الملل بشر و بشردوستانه؛ فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره هفتم.
۱۸. کوشا، جعفر، قربانی قلجلو، مهدی (۱۳۹۷). سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره یکصد و دوم.
۱۹. مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۴) رویکردی نو به انتخاب بهترین گزینه راهبردی امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران؛ مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۲۰. مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰) سیاست کیفری در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران؛ نشر میزان.



ب- منابع لاتین

۱. -Eide, Asbjorn (1998). The Human Right to Adequate Food and Freedom from Hunger, In the Right to Food in Theory and Practice, Italy, FAO Publication.
۲. -Food Agriculture Organization(2013). Basic Concepts of Food Security: Definition, Dimensions and Integrated Phase Classification. Available at: <http://www.food and environment.com/2013/1/basic -concept-of-food-security.html>.
۳. -Food Agriculture Organization (2015). Plan of Action of the World Summit Security. Available at: <http://www.Fao.org/docrep/003/w3613e/w3613e00.HTM>.
۴. -Golay, Christophe(2009). the Right to Food and Access to Justice: Example at the National Regional and International Levels.
۵. -Golay C. (2015)The Food Crisis and Food Security: to wards a new world Food Order. Available at: <http://Poldev.revues.org/145>.

۶. -Kasturi, Prahlad (2012). Technology and Food Security, *Humanomics*,2(25).
۷. -Narula, Smitha (2006). The Right to Food: Holding Global Actors Accountable under International Law, *Columbia Journal of Transnational Law*,44(35).